



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از باب های امر به معروف و نهی از منکر در کتب احادیث ما باب وجوب امر و نهی نسبت به اهل و فرزندان و خانواده می باشد و در وسائل نیز باب نهم مربوط به همین موضوع می باشد و عنوان باب این است: "باب وجوب امر الأهلین بالمعروف ونهیهم عن المنکر"، چند خبر از این باب را می خوانیم:

خبر اول: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِذَّافِرٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا " جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي، وَقَالَ: أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي، كَلَفْتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ، وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ<sup>۱</sup>.

خبر سندا خوب است فقط نفر آخر یعنی عبد الاعلی مولى آل سام توثیق نشده است، خبر دلالت دارد بر اینکه باید اهل و خانواده خود را امر به معروف و نهی از منکر کنید و همچنین کیفیت امر و نهی آنها بیان شده است.

اهل سنت به ما اشکال می کنند که فقهاء شما آیات قران را در ابواب فقهیشان نمی نویسند لذا علامه مجلسی در بحار و آیت الله العظمی آقای بروجردی در جامع احادیث شیعه در هر بابی اول آیات قران و بعد روایات را ذکر کرده اند و همچنین اهل سنت می گویند شما در

نقل احادیث پیغمبر را جلو نمی اندازید مثلاً اگر در بابی چند روایت باشد روایت پیغمبر را مقدم نمی کنید و عنایت و توجه به اینکه اولین خبر از هر بابی روایت پیغمبر باشد ندارید، علی آیی حال وسائل نیز آیه مذکور را کامل بیان نکرده اما در جامع احادیث شیعه کامل ذکر شده است.

آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان می فرمایند این آیه از آیاتی است که دالّ بر تجسم اعمال می باشد، البته سه فرضیه در مورد بهشت و نعمات بهشتی و همچنین جهنم و عذابهای جهنمی وجو دارد: اول تجسم اعمال که عده زیادی از علماء قائل اند همین اعمال دنیوی در آخرت مجسم می شوند و چهره آنها عوض می شود مثلاً نماز و روزه به نعمات بهشتی و گناهان به عذاب مبدل می شوند بنابراین همین اعمال مجسم می شوند، دوم اینکه عذاب و پاداش الهی مربوط به خود اعمال نیستند بلکه نتیجه اعمال هستند مثل دانه ای که در بهار کشت می شود و بعد از آن میوه بوجود می آید، سوم اینکه عذاب و پاداش اعمال یک امر اعتباری و قراردادی است که مجازات و پاداش دارد، خلاصه اینکه این سه فرضیه در مورد عقاب و پاداش اعمال مطرح می باشد.

خبر دوم: ﴿وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ سَمَاعَةَ، عَنْ أَبِي بصيرٍ، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: " قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا " قُلْتُ: كَيْفَ أَقِيهِمْ؟ قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاكَ اللَّهُ، فَانْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ، وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ<sup>۲</sup>.

صاحب وسائل اخبار دیگری نیز در این رابطه نقل می کند.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۴۱۷، ابواب امر و نهی، باب ۹، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۴۱۷، ابواب امر و نهی، باب ۹، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱۲) وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱۳) يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءٌ بِالْمَعْرُوفِ وَانَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷) وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹) ﴿۳﴾.

در بیست جای قرآن کریم لفظ حکمت ذکر شده است آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان در مورد معنای حکمت می فرماید هر امت و ملتی یک ارزش هائی دارند که پایه و ریشه حرکت های آنها می باشد و حکمت همان ارزش های الهی و اسلامی هستند که پایه و اساس اسلام و تربیت های آن می باشند.

اسلام بر سه امر مهم تاکید دارد؛ اول ایمان که همان اعتقادات و معارف قلبی هستند، دوم عمل که مربوط به اعمال خارجی انسان است و سوم اخلاق که مربوط به ملکات روحی می باشد که لقمان نیز به همین ترتیب فرزندش را توصیه می کند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

این بحث (امر به معروف اهل و عیال) بسیار مهم است و یکی از وظائف بسیار سنگین پدر و مادر نسبت به فرزندان و مرد نسبت به اهل و عیالش می باشد، وقتی که فرزندی متولد می شود عاجز ترین موجودات است و فقط دو چیز بلد است؛ یکی گریه کردن و دیگری مکیدن پستان مادر و همچنین دوران کودکی فرزند انسان طولانی ترین دوران نسبت به بچه های موجودات دیگر می باشد مثلاً شما می بینید که بر خلاف انسان بچه های حیوانات خیلی زود راه میافتند، علی ای حال پدر و مادر وظیفه بسیار سنگینی در تربیت فرزندان خود دارند.

خوب و اما دعای ۲۵ از صحیفه سجادیه دعای امام سجاد علیه السلام در حق فرزندانش است که دو سه صفحه می باشد و مرتبط به بحث ما یعنی امر و نهی اهل و عیال می باشد و دالّ بر اهمیت مسئله تربیت اولاد توسط پدر و مادر می باشد.

حدیثی داریم که در آن پیغمبر صلوات الله علیه و آله می فرمایند پدر و مادر نسبت به فرزند حقوقی دارند؛ اول اینکه مادر خوبی برای فرزندش انتخاب کند زیرا زوجه او تنها همسر خودش نیست بلکه باید به این فکر کند که فرزندی از او به وجود خواهد آمد که روحیات و اخلاقیات مادرشان خیلی در آنها تاثیر خواهد داشت، دوم اینکه نام خوب برای فرزندش بگذارد که هم در دنیا و هم در آخرت تاثیر فراوانی دارد، سوم اینکه تأدیب و تربیت فرزندش را به نحو احسن انجام بدهد، چهارم اینکه برای فرزندش یک شغل خوبی انتخاب کند که در این رابطه روایات فراوانی داریم، بنابراین بحث ما بسیار مهم می باشد.

برای نمونه آیاتی از سوره لقمان را می خوانیم که در آن لقمان به فرزندش سفارشات می دهد: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

۳ سوره لقمان، آیه ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹.